

# اوضاع اقتصادی قلمرو و خلافت عباسی

۲

## از پرفسور ا. آ. بلیاف

استاد فقید دانشگاه مسکو و عضو پیشین فرهنگستان علوم اتحاد شوروی

ترجمه عنایت الله رضا

### تولیدات پیشه‌وران و شهرها

بس زیبا داشت تهیه میشد. رنگرزان چیره‌دست پارچه‌ها را با رنگهای طبیعی که از برگ، پوست و ریشه درختان گونه‌گون بدست می‌آمد می‌آراستند. تهیه چرم که به شیوه‌هایی بس کامل دباغی میشد رونق بسیار داشت. تهیه لباس و کفش نیز با پیشرفت صنایع پارچه‌بافی و چرمسازی مربوط بوده است. کالاهائی که تهیه آن مستلزم کار و هنر فراوان بود جهت مصرف خلیفه و طبقات حاکم و امیران و روحانیون بزرگ ساخته میشد. عوام الناس به سبب فقر و اندک‌مایگی ناگزیر از اکتفا به محصولات ارزان و چه بسا قناعت به گالاهای خشن و درشت‌باف از پنبه و کتان و پشم بودند. مردم از داشتن چکمه و نعلین ساخته‌شده از تیماج‌های رنگارنگ مزین به نقش و نگارهای ابریشمین آمیخته با نخهای سیمین و زرین محروم بودند. آنان ناگزیر به کفشهایی که از چرم‌های ناصاف و خشن تهیه شده بود اکتفا میکردند تا پاهایشان را از سنگها و ریگهای داغ مصون دارد. بسیاری از کشاورزان به چارق‌های خود ساخته بسنده مینمودند، حال آنکه منسوجات و کفشهایی که در بازارهای شهرها عرضه میشد از لحاظ تنوع و زیبایی دیدگان را خیره‌میساخت. کار سراجان و زرین‌سازان که زرین و برگ و وسایل

دومین تقسیم کار بزرگ اجتماعی (جدا شدن تولید پیشه‌وران از کشاورزی) در جامعه عرب، قبل از پیدایش اسلام، و در ممالک مسخره. از دوران باستان و به‌هنگام نظام برده‌داری صورت پذیرفت. کارگاههای کثیر و متنوع پیشه‌وران به‌هنگام خلافت بنی‌عباس بطور عمده در شهرهای بزرگ مستقر بود. ولی در دیه‌ها نیز پیشه‌وران اغلب به تهیه پارچه و چرم می‌پرداختند.

در نیمه دوم سده هشتم و نیز در سده نهم میلادی به موازات پیشرفت کشاورزی در کشورهای قلمرو خلافت کار پیشه‌وران نیز رونقی بسیار داشت. اغلب پیشه‌وران به کار نخ‌ریسی و بافندگی می‌پرداختند. پیشه‌وران پارچه‌های مرغوبی از کتان، پنبه، پشم و ابریشم می‌باftند. بهترین پارچه‌های کتان در جنوب مصر تهیه میشد. این پارچه‌ها بسیار مرغوب بود و در سرزمین‌های دوردست خریداران بسیار داشت. در سوریه تولید ابریشم رواج فراوان داشت و پیشه‌وران پارچه‌های ابریشمین بسیار ظریف و خوش‌نقش و نگار می‌باftند. تقریباً در همه کشورهای قلمرو عباسیان ماهوت بسیار محکم و خوب که گاه رنگ‌آمیزی‌هایی

سواری بر اسب و شتر و قاطر و الاغ میساختند نیز خواستار فراوان داشت. زین و برگ مخصوص بزرگان و اغنیاء با ابریشم رنگارنگ و نقش و نگارهای فلزی مرصع به مروارید و گوهر زینت می‌یافت.

کار صنعتگران فلزساز، بخصوص سازندگان اسلحه و ظروف رونق بسیار داشت. کار دست شمشیر سازان هنرمندی که شمشیر، نیزه، سپر، زره و جوشن و کلاه خود میساختند مورد استفاده سپاهیان خلیفه بود. بخصوص شمشیرهای پولادین کار شمشیرسازان دمشق که راز شیوه آب‌دادن پولاد را با کسی در میان نمی‌گذاشتند، شهرت فراوان داشت.

ظروف، از جمله بشقابها و دوری‌ها و فنجان‌ها و کوزه‌های فلزی که معمولا از مس تهیه می‌شد در منازل شهری بسیار بود. آبگینه‌های حلب نیز مورد استفاده فراوان داشت.

مردم دیه‌ها و بی‌چیزان شهر از ظرفهای گلی و چوبی استفاده می‌کردند. اما در قصور خلیفه‌ها و سالاران و امیرانشان ظرف‌ها از زرو سیم و اغلب دارای نقش و نگارهایی بس زیبا بود. کار هنرمندان، بخصوص گوهریان و زرگران نیز رونق فراوان داشت و مایه ارضاء خاطر مشکل‌پسند و غرور و خودنمایی اغنیاء می‌گشت.

عوامل اقتصادی بسیار، از جمله میزان انبوه مواد خام که حاصل کار دامپروران (چرم و پشم) و کشاورزی تولیدکننده نباتات صنعتی و استخراج‌کنندگان مواد معدنی بود، مایه پیشرفت صنعت گردید. کشتی‌های دریای رودپیمان و کاروان‌های اشتران از ایران و بخصوص از کوه‌های هندوکش نقره و از مغرب بخصوص از نوبی و سودان طلا و از اصفهان مس و از ایران و آسیای میانه و سیسیل آهن به بغداد و سایر شهرهای بزرگی که صنعتگران بسیار داشت می‌آوردند. ضمناً از آفریقا نیز انواع چوب‌های گرانبها و عاج وارد می‌شد و صنعتگران هنرمند از این کالاها زینت‌آلات گرانبهائی می‌ساختند. کار ساختن حلویات که از آرد و میوه و عسل و نیشکر تهیه می‌شد نیز رونق فراوان داشت. بازار وسایل آرایش و دارو نیز گرم بود.

گرچه در امور صنعتی از کار بردگان استفاده

میشد، با اینهمه پیشه‌وران اغلب تولیدکنندگانی آزاد بودند. بردگان صنعتگر که متعلق به خلفاء، امیران، سالاران، فئودالها و بازرگانان و ارباب ضیاع بودند تحت استثماری توان‌فرسا قرار داشتند. پیشه‌وران آزاد اغلب در کارگاههای خود که در بازارهای شهرها بودکاری می‌کردند و از نیرو و هنر فرزندان و خویشاوندان و گاه از نیروی بردگانی که در اختیار داشتند استفاده می‌نمودند. در بازارها پیشه‌وران مختلف راسته‌های مخصوص به خود داشتند. چه بسا کار پیشه‌وران از بازرگانی جدا نبود. پیشه‌وران اغلب در همان محل کار کالاهای خود را به خریداران عرضه می‌داشتند. از سازمان و تربیت کار پیشه‌وران در آن زمان آگاهی در دست نیست. اتحاد پیشه‌وران به شیوه کارگاههای اروپای غربی در اواخر دوران خلافت عباسیان پدیدار گشت.

در دوران خلافت عباسیان شهرها نه تنها مراکز نظامی و اداری، بلکه مراکز عمده اقتصادی و فرهنگی کشورها و استانهای مختلف بودند. بنا به نوشته‌های جغرافی‌نویسان اسلامی نام شهر بر نواحی مسکونی اطلاق می‌شد که دارای مسجد، قصور حکام، حمام، مدرسه، میهمانسرا، بیمارستان و میدان‌ها باشد. در شهرهای بزرگ شماره این بناها به دهها و صدها می‌رسید.

ذکر این نکته ضرور است که در قلمرو خلافت برخلاف اروپای غربی در اوایل قرون وسطی متصرفات فئودالها هرگز بر شهرها نفوذ اقتصادی و سیاسی نداشت. علاوه بر این فئودالها در دوران خلافت عباسیان در متصرفات خویش نمی‌زیستند، بلکه در شهرها سکنی داشتند. در دوران خلافت به سبب رواج مناسبات پولی بر پایه صنعت و بازرگانی پیشرفته، نقش اقتصادی شهرها فزونی و اهمیت بسیار یافت.

بزرگترین شهر در قلمرو عباسیان پایتخت آن بغداد بود که بنیادگذار آن خلیفه منصور آنرا مدینه السلام نامید ولی مردم آنرا «مدینه المنصور» می‌نامیدند. شهر بغداد به سال ۷۶۲ میلادی به فرمان منصور در ساحل راست دجله و شمال کانال بزرگ صراط که دجله را به فرات متصل می‌ساخت بنا گردید. به فرمان منصور نه تنها بسیاری از اهالی بین‌النهرین و عراق

بلکه عده‌ای فراوان از مردم سوریه و ایران نیز جهت ساختن شهر بغداد به این ناحیه رانده شدند. طبق آماري که از آن زمان در دست هست عده این افراد به صد هزار نفر می‌رسید. به سال ۷۶۳ میلادی یکسال پس از آغاز ساختمان شهر خزانه و دیوان خلافت از کوفه به بغداد منتقل گشت. بنای «مدینه المنصور» به سالاران، فئودالها و بازرگانان و ارباب ضیاح بودند دایره‌ای که دو رشته دیوار از خشت خام همچون دو حلقه به دور آن کشیده شده بود و در محافظ شهر به‌شمار می‌آمد. متعاقب آن دیوار سوم و در پس آن خندقهایی حفر گردید که همواره پر آب بود.

در قسمت مرکزی شهر که آن نیز با دیوار محاط شده بود قصر خلیفه قرار داشت و آنرا «دروازه طلایی» و یا «گنبد سبز» (قبة الخضراء) می‌نامیدند، زیر بر بالای جایگاه خلافت گنبدی بزرگ با کاشی‌های فیروزه‌فام قرار داشت. کنار قصر خلیفه مسجدی احداث شده بود. دیوان و ادارات دولتی قرارگاه سپاهیان محافظ خلیفه و خاصگان و نزدیکان و امیران و سالاران، کمی دورتر از قصر بود. زندان نیز از آن دورتر بود. خیابانهای مرکزی به چهار دروازه (دروازه بصره، دروازه خراسان، دروازه شام و دروازه کوفه) منتهی می‌گشت. این دروازه‌ها در فاصله میان دیوار داخلی و دیوار اصلی قرار داشتند. بفرمان منصور اهالی نواحی نزدیک بغداد به این شهر کوچانده شدند و هر یک کوی مخصوصی داشتند. بسیاری از صنعتگران و بازرگانان را از دیگر شهرها به بغداد کوچاندند و از جانب خلیفه وعده دادند که به مردم بغداد از لحاظ پرداخت خراج و غیره تخفیف هائی داده خواهد شد.

چنین بنظر میرسد که خلیفه مردم پایتخت را فریفت. زیرا بغداد از همان آغاز دستخوش ناخرسندی‌ها و اعتراضات شدید بود. منصور که حتی در چهار دیوار درونی شهر خویشتن را درامان نمیدید. از قصر بیرون نمی‌آمد تا با اعتراض اهالی بغداد روبرو نشود.

هنوز چندسالی از زمان بنای شهر نگذشته بود که منصور فرمان داد صنعتگران و بازرگانان ناآرام را از شهر بیرون رانند و به کرخ واقع در حومه بغداد بکوبانند. ضمناً خلیفه دستور داد تا بازار گوشت‌فروشان دور از دیوار شهر باشد. او میگفت قصابان مردمی عربده جویند و سلاح‌های تیز و برنده در دست.

شهر بغداد که در امور اقتصادی قلمرو پهنوار عباسیان اهمیتی بسزا داشت بسرعت بسط و توسعه یافت و در سده نهم میلادی به یکی از مراکز بزرگ صنعتی و بازرگانی جهان آن روز بدل گشت. بدینگونه شهر وسعت بسیار یافت و بسیاری از صنعتگران به ساحل چپ دجله نقل مکان نمودند و بازارهای پر جنب و جوشی در آن سوی دجله بپا گردید. کرانه‌های راست و چپ دجله توسط جسری بهم مربوط میشد. بغداد به عنوان مرکز فرهنگی خلافت عباسیان نیز کسب اهمیت بسیار نمود. این شهر بخصوص از دوران خلافت مأمون به محل تجمع بهترین دانشمندان ممالک قلمرو عباسیان بدل گشت.

ضمناً در بغداد بسیاری از مردم آواره و بی‌پناه در نهایت بی‌برگی و تنگدستی بسر میبردند. همواره انبوهی از گرسنگان و آوارگان به بازارهای بزرگ، مساجد و لنگرگاهها که پر جمعیت‌ترین نقاط پایتخت بود پناه میبردند. ولگردان و بیکارگان بغداد بادیروزگی و دزدی و گاه جنایت و آدم‌کشی روزگار میگذرانند. فحشاء به پلیدترین شکلی در آن شهر رایج بود.\* دیگر از شهرهای بزرگ و پر جمعیت آن روزگار بصره بود که کلید قلمرو عباسیان و از نظر بازرگانی دروازه جنوبی خلافت بشمار میرفت.

### بازرگانی

قلمرو خلافت در واقع چهارراهی از نظر بازرگانی جهانی بود، زیرا کالاهای ممالک خاور دور و هندوستان از این راه به اروپا می‌رسید. این امر سبب اهمیت فراوان

۱- نگارنده کتاب بجا ای شام نام سوریه نوشته است. در اکثر کتابهای محققان روس نیز بجای شام نام سوریه بکار رفته است. حال آنکه این نام دارای قدمت تاریخی نیست. (مترجم)

\* برای کتابشناسی کلیه منابع مربوط به بغداد و آگاهی از نقشه‌های تاریخی این شهر مخصوصاً رجوع شود به: دلیل خارطة بغداد المفصل، از مصطفی جواد احمد سوسه، بغداد ۱۹۵۸ و کتاب جمهره المراجع البغدادية از کورکیس عواد و عبدالحمید العلوجی، بغداد ۱۹۶۲ (معارف اسلامی).

قلمرو عباسیان از نظر بازرگانی جهانی و ترانزیت گردید. ولی در دوران خلافت عباسیان روابط بازرگانی بین کشورهای این قلمرو وسیع که سرحداتش از اقیانوس هند تا اقیانوس اطلس کشیده شده و از چهار دریا (مدیترانه، سیاه، احمر و خلیج فارس) میگذشت اهمیتی بیشتر و فراوان تر داشت. وسعت منطقه بازرگانی و مبادله کالا موجب پیشرفت تولیدات صنعتی و استخراج مواد معدنی گردید.

شهرهای بزرگ مراکز عمده ای جهت کاروانهای بزرگ و کشتی های بازرگانی بشمار میرفتند. بازارهای پر جنب و جوش این شهرها بازرگانان و خریداران بسیاری را به سوی خود فرا میخواند. انبارهای این شهرها از کالاهای محلی و کالاهائی که از آن سوی دریاها میرسید مملو بود. پارچه های کتان مصری نه تنها در آفریقا، بلکه در بازارهای آسیا و حتی اروپا عرضه می گشت. کالاهای ابریشمین، آبکینه، اسلحه و ظرف های فلزی شام و حلب در همه جا بازارهای خوبی داشت. از غرب ایران قالی و دست دوزیهای زیبا و از خوزستان شکر به بازارها عرضه میشد. در این سرزمین و نیز در ناحیه کوفه کشت پنبه رایج بود. از ایران، آسیای میانه، ارمنستان، افریقیه (تونس) و اندلس مس به بازارها عرضه می گشت. از منابع قلع و روی بسیار غنی شمال و غرب ایران مقادیر معتدابهی سنگهای معدنی اخراج میشد. از ناحیه استخر در ایران سیماب (جیوه) فراوان بدست می آمد. نفت و شیر جنوب غرب ایران و شمال عراق (بین النهرین) شهرت بسیار داشت. از جنوب ایران کالاهای گرانبهائی چون تریاک و نیل هندی صادر می گشت.

کاروانهای حامل کالا از آفریقای شمالی و مصر به ناحیه دریایچه چاد میرفتند و چه بسا به منطقه استوانی میرسیدند. کاروانیان عرب با راهبانی که از کوهستانها، جنگلها، جلگه ها و بیابانهائی که از نواحی جنوبی صحرای آفریقا میگذشت بخوبی آشنا شدند. بازرگانی و معاملات پر سود با اهالی آفریقای غربی

توجه آنان را به خود جلب کرده بود. آنها در مقابل نمک، طلا می گرفتند و بردگان بسیار به بهای ارزان می خریدند. آنان در تمبوکتو و گائو طلا و عاج می خریدند، و از آفریقای سیاه پر شتر مرغ و پوست درندگان که در جنگلهای آن سرزمین بسیار بود بهمراه می آوردند. دریانوردی در اقیانوس هند و دریای مدیترانه نیز رواج فراوان یافته بود. ناخدایان کشتی های بازرگانی در اقیانوس هند راههای درازی را باجسارت و موفقیت پیمودند. سده پنجم میلادی کشتی ها از بحر احمر، هندوستان و چین به حیره و ابله می آمدند. در دروان خلفای عباسی بصره یکی از بزرگترین و عمده ترین بنادر و مراکز بازرگانی جهان محسوب میشد. تنها بندری که با بصره رقابت میکرد بندر صحر در عمان بود. بعدها این بندر اهمیت خود را ازدست داد و مسقط جان آن را گرفت. سیراف<sup>۲</sup> که در ساحل خلیج فارس و کرمان قرار داشت نیز بندری بسیار پر جنب و جوش و پرغوغا بود.

تا سده هشتم میلادی ابتکار دریانوردی در اقیانوس هند با چینیان بود که ابداعات و فعالیتشان پیش از بازرگانان ایرانی و عرب بود. کشتی های چینی که سر نشینانش گاه به چهارصد الی پانصد نفر میرسید در بندر سیراف لنگر می افکندند. این کشتی های بزرگ بسیار مسلح بودند تا حمله راهزنان دریائی را درهم شکنند. در این کشتی ها آتشبارهایی تعبیه شده بود که باران نشت بر کشتی مهاجم فرو می ریختند. آغاز سده هشتم میلادی دریانوردان بصره در هند در دریانوردی و کشتی سازی از دریانوردان و کشتی سازان چینی و هندی پیشی گرفتند. در زمان حکمرانی حجاج دریانوردان بصره با کشتی هایی که میخ های فلزی داشت به سفر دریائی میرفتند (تا آن زمان در کشتی سازی فقط از میخ های چوبین و ریسمان استفاده میشد).

بصریان جزیره های خلیج فارس را خوب می شناختند و در آن جزیره ها لنگرگاههای مناسبی ساخته

۲- بندر سیراف که نام پارسی آن شیلاب است بزرگترین بندر خلیج فارس در عصر ساسانیان بود و تا سده سوم هجری نیز از بنادر مهم ایران بشمار میرفت. بندر سیراف به سال ۲۵۷ هجری به سبب زمین لرزه ویران گردید. این بندر در شهرستان اردشیر خوره در فارس واقع بوده است. نویسنده کتاب به خطا آنرا یکی از بنادر کرمان نامید. شاید سبب خطای او این بوده که در کتابهای قدیم غالباً کرمان و فارس را یک ایالت می دانستند. (مترجم)

بودند. پس از آنکه روانه اقیانوس می‌شدند تکیه گاه‌هایی در سوکوترا<sup>۳</sup> و زنگبار و کرانه‌های شرقی آفریقا داشتند. از آفریقا بردگان سیاه پوست، عاج، چوب‌های گرانبها، شن طلا و گوهرهای گونه‌گون را در کشتی خود جای میدادند. بصریان با بازرگانی سیلانی نیز داد و ستد داشتند و از بندرهای این جزیره عاج و گوهرهای گرانبها با خود می‌بردند. در کرانه‌های غربی شبه‌قاره هند (که ساحل مالابار نامیده می‌شد) مراکزی وجود داشت که هزاران مسلمان تابع دولت عباسیان در آنها بسر می‌بردند. آنها در مراکز مذکور مسجدها بنا کردند و قاضی مسلمان در دعوی آنان حکم بود. از هندوستان ادویه و انواع پارچه و حریر بسیار نازک به سرزمین خلافت برده می‌شد. در کرانه‌های جنوب شرقی شبه‌قاره هندوستان نیز مراکز بازرگانی تابع دولت عباسیان موجود بود. همه ساله بالغ بر دهها هزار رأس اسب از سیراف بدانجا می‌آوردند.

داستان سندباد بحری در کتاب هزارویک‌شب نمونه‌ای از فعالیت بازرگانی در اقیانوس هند به‌هنگام خلافت عباسیان است. احتمال می‌رود سندباد تا شهر کالا واقع در شبه‌جزیره مالاکا رفته باشد. بازرگانان از این شبه‌جزیره طلا و قلع می‌بردند. بازرگانان مسلمان از سوماترا کالاهای فراوان از جمله طلا، ادویه، عطریات، رستنی‌های داروئی و کافور به‌همراه می‌آوردند. آنان از برنثوی شمالی مروارید و از جزایر فیلی‌پین طلا و عاج می‌خریدند. شاید این جزایر همان سرزمین افسانه‌ای دوردست بنام واق واق باشد که به غلط آنرا با ژاپون یکی میدانستند. احتمال دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه ممکن است این سرزمین جزیره‌ای از جزایر چین باشد. گفته شده که در این جزیره درختی اسرارآمیز وجود دارد که میوه آن زن زنده است.<sup>۴</sup>

در نیمه سده هشتم میلادی بازرگانان ایرانی و عرب راه چین را می‌شناختند. نخست‌آنان با کشتی‌های چینی که از بصره به سرزمین خود باز می‌گشتند سفر نمودند. اما چندی نگذشت که غیر چینی‌های مسلمان

در شهر کانتون «کانفو» چند کوی و برزن داشتند که مناره‌های مساجدشان سر به آسمان کشیده و رشته‌داوری در دست قاضی بود که احکام شرع اسلامی را مجری میداشت. به سال ۷۵۸ میلادی اهالی بومی کانتون بر دست‌نشانده امپراتور چین شوریدند. بگدی‌خان فرمانروای آنجا سپاهی از ایرانیان که در خدمتش بودند گردآورد و به سرکوب شورشیان گمارد. در این زمان نابعان خلیفه عباسی در این شهر بزرگ که به سرکوب کنندگان شورش پیوسته بودند دست به نهب و غارت زدند و خانه‌های شورشیان را به آتش کشیدند و پس آنگاه کالاهای گرانبها را بر کشتی نهادند و به سوی بنادر خویش گریختند. دیری نگذشت باز عده‌ای از بازرگانان عرب به کانفو آمدند. بسیاری از آنان با اجازه دولت چین رهسپار استانهای چین‌قاره شدند. بازرگانان مسلمان از این استانها ظرف‌های چینی، پارچه‌های زیبا و ابریشم به سرزمین‌های تابع خلافت عباسیان بردند.

مناسبات بازرگانی میان سرزمین عباسیان و کشور چین از راه دریا مانع ادامه بازرگانی از راه خشکی و حرکت کاروانهای شتر از «راه ابریشم» که از دیرزمان وجود داشت نگردید. کالاهای چینی از راه سمرقند، بخارا، ری و همدان به بغداد میرسید. از این شهر راهی به (تراپه‌زوند) ترابوزان کشیده بودند. کالاهای مشرق‌زمین در این شهر بر کشتی‌های بیزانسی بار می‌شد و رهسپار بنادر شام و دریای مدیترانه می‌گشت. راه دیگر از کوفه، مدینه، مکه و بنادر بحر احمر می‌گذشت و به برزخ سوئز منتهی می‌شد. از «راه ابریشم» ظرف‌های چینی و پارچه و بافته‌های ابریشمین از چین به ممالک تابع دولت عباسیان صادر می‌گشت.

در گزارشهای دولت‌تان<sup>۵</sup> نام خلفای عباسی مندرج است که در زبان چینی بسی تغییر یافته‌اند. اما مسئله وجود روابط سیاسی و مبادله سفیر میان خلفای عباسی و خان‌های بگدی تاکنون ناروشن است. در مآخذ عربی از پذیرش سفیر چین به دربار بغداد و یا سامره آگهی

۳- سوکوترا Sokotra مرکب از چند جزیره کوهستانی است که از بزرگترین آن نزدیک دماغه شرقی آفریقا در اقیانوس هند واقع است. مساحت این جزیره ۳۶۲۶ کیلومتر مربع است. پیشه مردم آن دامپروری، باغداری، پرورش نخل و ماهیگیری است. (مترجم)

۴- ای. یو. گراچکوفسکی I.U. Kratchkovski جغرافی‌نویسان اسلام. ص ۲۸۱

۵- چین قاره آن قسمت از سرزمین چین را گویند که به قاره آسیا پیوسته است. (مترجم)

در دست نیست. شاید چندتن از بازرگانان که از سرزمین خلافت به چین آمده بودند، خود را سفیر رسمی خلیفه نامیدند تا از این رهگذر از دادن مالیات معاف گردند و اموالشان از تجاوز حکمرانان محلی مصون ماند.

روابط بازرگانی سرزمین تابع عباسیان با هندوستان و اندونزی و چین در آثاری که به زبان عربی نوشته شده مندرج است. سده نهم میلادی، هنگامی که بازرگانان ایرانی و عرب به این سرزمین‌های ناشناخته و دوردست راه یافتند، داستانهای دلپذیر بسیاری پدید آمد که آکادمیسین ای. یو کراچکوفسکی آنرا «افسانه‌های جغرافیائی» نامید. در این داستانها آگهی‌های درست از سرزمین‌ها و اقوام دیگر با گزافه‌ها و پندارها درهم آمیخته بود. با اینهمه بسیاری از مردم بصره و سیراف و بغداد در نهایت اشتیاق این داستانها را می‌شنیدند.<sup>۷</sup>

داستان‌های «سلیمان تاجر» که متعلق به نیمه سده نهم میلادی است در سده دهم میلادی به صورت نوشته‌های ادبی درآمد. این سودجوی مبدع به منظور تجارت چندبار به هند سفر کرد و از طریق تنگه مالاکا<sup>۸</sup> به چین راه یافت. «او از کرانه‌ها، جزیره‌ها، بنادر و شهرهای مختلف، مردم، کالاها و وسائل و طریقه بازرگانی آنان سخن گفته است.<sup>۹</sup> پس از گذشت بیست سال داستانهای سلیمان توسط بازرگان و جهانگرد دیگری بنام ابن وهب کمال یافت. ابن وهب به حمدان (سینافو) پایتخت ایالت تان در چین سفر کرد. چندی از ورود او به این شهر نگذشته بود که به سال ۸۷۸ میلادی گروه بازرگانان عرب ضمن پیکار بزرگ کشاورزان در کانتون نابود گشتند. از این پس بازرگانان مسلمان از مالاکا دورتر نرفتند. روابط کشورهای خاورمیانه و نزدیک با چین فقط در سده سیزدهم میلادی تجدید یافت. در عوض بازرگانان مسلمان روابط خود را با سرزمین کخمر (کامبوج)

بسط دادند و از آنجا نقره به همراه آوردند. سفر دریائی به چین چندان رواج داشت که برخی از ساکنان آسیای میانه و ترکستان ترجیح میدادند از راه دریا به چین سفر کنند. مثلاً یکی از بازرگانان سمرقند از راه عراق به بصره رفت و با کالای بسیار از بصره عازم مالاکا شد و از آنجا با کشتی به چین قاره سفر کرد.

اغلب پیکار عربها و بیزانسیان مانع پیشرفت روابط بازرگانی بین دستگاه خلافت و دولت بیزانسی می‌گشت. اما مبادلات بازرگانی بین این دو سرزمین بزرگ هرگز قطع نشد و کشتی‌های رومیان همواره در بندر تراپوزان که دروازه شمالی بازرگانی قلمرو عباسیان بود پهلو میگرفتند. روم شرقی به کالاهای مشرق‌زمین نیاز داشت و این کالاها تنها از طریق بازرگانان مسلمان به آن سرزمین میرسید.

ناوگان بازرگانی عرب بر دریای مدیترانه فرمانروائی داشت. مصر در کار بازرگانی در این دریا چنان نقش بزرگی بر عهده داشت که عراق در اقیانوس هند، جلگه نیل با مغرب، اندلس و اروپای غربی روابط بازرگانی وسیعی داشت. مبادلات مصر با مغرب و اندلس دائمی بود و کالاهای این دو سرزمین از طریق مصر رهسپار قلمرو خلافت در قاره آسیا می‌گشت. ولی مناسبات بازرگانی مصر و اروپای غربی در واقع نامنظم و گه‌گاه بود. بنا به نوشته هانری پیرن مورخ بلژیکی، پیروزی اعراب و پیدایش خلافت رابطه اقتصادی بین شرق و اروپای غربی را که از دوران باستان پایدار بود مختل ساخت و کار را به جدائی این منطقه بزرگ کشانید.<sup>۱۰</sup> این نظر تاحدزیادی قابل پذیرش است. مدیویست‌های<sup>۱۱</sup> اروپا نظر هانری پیرن را با تردید تلقی نمودند. حال آنکه نتیجه‌گیری‌ها و استدلال‌ها عمده این دانشمندان بر پایه اسناد و مدارک بسیار جالب و درخور دقت و توجه فراوان است. بطور کلی در این مطلب جای تردید

۶- تان نام دودمانی است. از امپراتوران چین که به سالهای ۶۱۸-۹۰۶ میلادی بر چین حکومت داشتند. (مترجم)

۷- رجوع شود به کتاب «جغرافی نویسان اسلام» تألیف ای. یو. کراچکوفسکی I.U. Kratchovskij ص ۱۴۱

۸- تنگه مالاکا در کتابهای عربی معبر نامیده‌اند. (مترجم)

۹- ای. یو. کراچکوفسکی I.U. Kratchovskij «جغرافی نویسان اسلام» ص ۱۴۱

10) H. Pirenne., Mahomet et Charlemagne, 2 éd., Paris, 1937.

۱۱- Medievalism بخشی از علم تاریخ مربوط به پژوهش تاریخ قرون وسطی در دوران تسلط فئودالیسم بر اروپای غربی است. مدیویست‌ها Medievalist پژوهندگان این دانش‌اند. (مترجم)

نیست که بازرگانی دریائی بین شام و پادشاهی مروونیک‌های ۱۲ فرانک ۱۳ در سده‌های پنجم و ششم میلادی بسی پایدار و پر جنب‌وجوش بود، ولی پس از تسلط اعراب بر شام متوقف گردید. این روابط در زمان پادشاهی کارولینگ‌ها ۱۴ که از سال ۷۵۱ میلادی و تقریباً به هنگام ظهور خلافت عباسیان آغاز یافته بود نیز بسط نیافت.

مناسبات سیاسی بین خلفای عباسی و دولت قدیم فرانسه با بسط روابط بازرگانی میان اروپا و قلمرو عباسیان پیوند مستقیم داشته است. مورخان اروپای غربی (به پیروی از کاتولیک‌های قرون وسطی) چنین اظهار عقیده میکنند که روابط دیپلماسی بین دولت فرانک‌ها و دربار عباسیان به هنگام پادشاهی پپین قصیر (۷۵۱-۷۶۸ میلادی) که معاصر خلیفه منصور بود پایه‌گذاری شد و در زمان پادشاهی شارل بزرگ (۷۶۸-۸۱۴ میلادی) که هم‌زمان هرون الرشید بود بسط و توسعه فراوان یافت. چنین بنظر میرسد که این تصور به هنگام جنگ‌های صلیبی پدید آمد و رنگ تعلقات دینی به خود گرفت. در گفته‌های آنان شارل بزرگ به عنوان پادشاه مسیحیان و حامی اماکن مقدسه در فلسطین خلیفه مسلمین را به رسمیت شناخت.

آکادمیسین و. و. بارتولد در اثر پژوهشی خود بنام «شارل بزرگ و هرون الرشید» ۱۵ سستی و بی‌پایگی این گفته‌های آمیخته به تعصب را به ثبوت رسانید. و. و. بارتولد توجه خوانندگان کتاب را به سکوت مطلق مؤلفان اسلامی درباره رابطه میان خلیفه عباسی و شارل بزرگ معطوف میدارد. گذشته از این در قلمرو خلافت از وجود این امپراطوری خبری نداشتند و حتی نام شارل را هم نمیدانستند. ضمناً در تاریخ‌هایی که آن

زمان در اروپا به رشته تحریر کشیده شد از خلافت و نام خلفا اثری پدیدار نیست. برخی از مسیحیان اروپای غربی جهت ادای فرائض مذهبی به فلسطین و اورشلیم و سایر اماکن مقدسه این سرزمین رفتند. شارل بزرگ که نسبت به ادای فرائض مذهبی توجهی وافر داشت با اسقف مسیحیان در اورشلیم رابطه دوستانه برقرار نمود؛ نظیر این رابطه بین اسقف‌های مسیحی شرق و غرب نیز برقرار بود و اسقف‌ها هر چندگاه یکبار به دیدن شارل بزرگ و زیارت فلسطین می‌رفتند.

گذشته از زیارت بیت المقدس بازرگانی که تقریباً همه در دست بازرگانان یهودی بود وسیله‌ای جهت ارتباط اروپای غربی و مشرق زمین به شمار می‌رفت. جغرافی‌نویسان اسلامی نیز از این مقوله سخن گفته‌اند. این بازرگانان از اروپای غربی امردان و بردگان و کنیزان و پوست قاقم و بیدستر و شمشیر به مشرق می‌بردند. آنان برحسب معمول کالای خویش را از راه مدیترانه و مصر و دریای احمر به هندوستان و چین می‌بردند و از مشرق زمین کالاهای گرانبهایی چون مشک، عود هندی، ادویه و کافور به اروپا می‌آوردند. خویشاوندان و درباریان شارل بزرگ بیش از همه خواهان این امتعه نایاب بودند. بدین سبب بازرگانان مذکور در دربار شارل بزرگ از احترام و اعتماد فراوان برخوردار می‌شدند. امپراطور آنان را به مأموریت‌های جاسوسی و سیاسی می‌گمارد. مثلاً اسحق بازرگان که در پایان سده هشتم میلادی روانه خاورزمین گشت و سالی چند در دیار مشرق زیست از جمله مأموران شارل بزرگ بود. اسحق از راه تونس و سیسیل به ایتالیا بازگشت و پیل و هدایای دیگر به همراه آورد و چنین ادعا نمود که گویا پیل و دیگر هدایا

۱۲- Meroving مروونیک‌ها دودمان شاهان فرانک از سده پنجم تا نیمه سده هشتم میلادی است. از نیمه سده هفتم میلادی مروونیک‌ها فرمانروائی واقعی نداشتند. آخرین پادشاه مروونیک به سال ۷۵۱ میلادی توسط پپین قصیر Pipen بنیان گذارد دودمان کارولینگ‌ها (Karoling) از سلطنت خلع گردید. (مترجم)

۱۳- (Frank) فرانک‌ها گروهی از قبایل قدیمی ژرمن‌اند که سده سوم میلادی در مسیر سفلی و وسطای رود رن می‌زیستند. پایان سده پنجم و اوایل سده ششم میلادی تقریباً سراسر سرزمین گال را متصرف شدند و دولت خود را تأسیس نمودند. مروونیک‌ها (Meroving) از این دودمان‌اند و جمعاً از سده پنجم تا سده نهم میلادی از اقوام و قبایل اروپای غربی که اقتصاد پایداری نداشتند جزء امپراطوری وسیع فرانک‌ها بوده. این امپراطوری به سال ۸۴۳ منقرض گردید. (مترجم)

۱۴- کارولینگ‌ها (Karoling) سلسله‌ای از شاهان فرانک بودند که بنیاد پادشاهی آنان به سال ۷۵۱ میلادی بدست پپین قصیر (Pipen) نهاده شد. یکی از شاهان بزرگ این سلسله شارل کبیر بود. کارولینگ‌ها تا سال ۸۸۷ میلادی بر ایتالیا و تا سال ۹۱۱ میلادی بر آلمان و تا سال ۹۸۷ میلادی بر فرانسه فرمانروائی داشتند. (مترجم)

۱۵- و. و. بارتولد V.V. Bartold «شارل بزرگ و هرون الرشید»، - «مسیحگری در شرق»، جلد یکم، چاپ یکم، سال ۱۹۱۲، ص ۶۹ - ۹۴.

را خلیفه هرون الرشید فرستاده است. وی خویشتن را فرستاده خلیفه نامید. این فرستاده دروغین با ارائه پیل و دیگر هدایا اروپائیان را بفریفت و مدعی گشت که ابوالعباس لقب یافته است. مردم اروپا که هرگز به عمر خود پیلی ندیده بودند از هرسو به دورش گردمی آمدند. پیل از ایتالیا و کوههای آلپ گذشت و به سال ۸۰۲ میلادی به شهر آخن رسید. صاحب پیل در این شهر به حضور شارل بزرگ باریافت. داستان پیل در تاریخ های اروپا ثبت است. وی به سال ۸۱۰ میلادی به سببی ناشناخته درگذشت. ۱۶

هدایای دیگری که گویا از جانب خلیفه جهت امپراتور فرستاده شده بود (ساعت آبی که مجسمه هانی بر آن نهاده بودند، خیمه و خرگاه و اشیاء دیگر) هیچیک برجا نمانده است، چون راستی را وجود نداشته. یا. ای. سمیرنوف ۱۷ هنرشناس بزرگ نوشت که درحقیقت هیچگونه دلیلی بر وجود اشیاء فرستاده شده از سوی خلیفه هرون الرشید جهت شارل بزرگ نمیتوان یافت. آ. آ. واسیلیف متخصص مشهور تاریخ بیزانس در کتاب خود تحت عنوان «گاهنامه بیزانس» نظیر آکادمیسین و. و. بارتولد را مردود دانست ۱۸. این دانشمند بناحق بارتولد را به «انتقاد مبالغه آمیز» متهم

کرد و از نظریات سنتی منسوخی که از فیدئیسیم ۱۹ مسیحی پدید آمده دفاع نمود. و. و. بارتولد در پاسخ وی مقاله ای تحت عنوان «مسئله روابط فرانک ها و اسلام» به رشته تحریر کشید ۲۰. پس از بحث مفصلی که در مجله های علمی به چاپ رسید مستدل بودن نظر و. و. بارتولد ثابت گشت. مبنی بر اینکه وجود روابط سیاسی میان عباسیان و شارل بزرگ افسانه ای بیش نیست. در دوره مورد بحث بازرگانی با اروپا هنوز بسطی نیافته بود. ولی راههای گذر از دریای مازندران و کرانه های جنوبی ولگا به سرزمین خزران و خانهای سواحل شمالی دریای مازندران معلوم و روشن بود. این خان ها با دولت روسیه آن زمان که شهرکیف مرکز آن بود رابطه داشتند. در ایتیل ۲۱ پایتخت خزران پوست های خز بسیار گرانبها تهیه و پرداخته میشد. در آن زمان پوست های سیبری در تبت به فروش میرسید. بازرگانان روس و اسلاو کیف از سرزمین کرانه بالتیک کهرپا میخریدند و از منطقه واریاگ ها ۲۲ به یونان می بردند. از اروپای شرقی بردگان سفید پوست را به سرزمین های قلمرو و خلافت می بردند و مس و موم جهت ساختن شمع با خود می آوردند.

پایان

## شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی

- (۱۶) و. و. بارتولد V.V. Bartold «شارل بزرگ و هرون الرشید» - «مسیحیگری در شرق»، جلد یکم، چاپ یکم، سال ۱۹۱۲، ص ۱۴۴
- ۱۷- یا. ای. سمیرنوف Ia. I. Smirnov
- ۱۸- آ. آ. واسیلیف A.A. Vasiliev «شارل بزرگ و هرون الرشید» - «گاهنامه بیزانس» جلد بیستم، چاپ یکم، بخش یکم، سال ۱۹۱۳، ص ۶۳ - ۱۱۶.
- ۱۹- فیدئیسیم Fidéisme نظریه ای است که باورهای دینی را بمناب یگانه وسیله تقرب به حقیقت میداند و منکر نقش دانش در نزدیکی به واقعیات است. (مترجم)
- ۲۰- و. و. بارتولد V.V. Bartold مسئله روابط فرانک ها و اسلام، - «مسیحیگری در شرق» جلد سوم، چاپ سوم؛ ۱۹۱۴ ص ۲۶۳ - ۲۹۶.
- ۲۱- ایتیل (Itil) پایتخت سرزمین خزران در سده های هشتم تا دهم میلادی بود. این شهر در مصب رود ولگا و در محل حاجی طرخان کنونی قرار داشت. (مترجم)
- ۲۲- (Varyag) نام بیزانسی است که به نورمانها داده است. واریاگ ها در سده نهم میلادی به ریاست سران خود به شرق و غرب اروپا درآمدند و کارشان راهزنی و بازرگانی بود. واریاگ ها گاه شهرهای روسیه را به تصرف خویش می آوردند و بر مردمشان فرمان میراندند. واریاگ ها در روسیه سخت تأثیر زبان و فرهنگ اسلاوهای شرقی قرار گرفتند و سرعت در آنان مستحیل شدند. (مترجم)